

# تاریخ پنهان آیه چهل — شماره شش

یازده

Jeff Pippenger

2026-04-02

هنگامی که مطالعه تاریخ پنهان را آغاز می‌کنیم، هر دو خط داخلی و خارجی نبوت را که اکنون چنین فهمیده می‌شوند که با تاریخ از زمان آخر در آیه چهل تا قانون یکشنبه در آیه چهل و یک هم‌راستا هستند، بررسی خواهیم کرد. خط داخلی آن تاریخ نبوی با کتاب مکاشفه در باب یازدهم و آیه یازدهم مشخص می‌شود. خط خارجی با کتاب دانیال در باب یازدهم، آیه یازدهم مشخص می‌شود. خط خارجی دانیال ۱۱—آیه ۱۱ در سال ۲۰۱۴ در تاریخ فرارسید، و خط داخلی مکاشفه ۱۱—آیه ۱۱ در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ در تاریخ فرارسید. خط خارجی نمایانگر شاخ جمهوری خواه حیوان زمین است و خط داخلی نمایانگر شاخ پروتستان حیوان زمین است.

## ایالات متحده آمریکا

کتاب مکاشفه یک ملت اصلی را به‌عنوان موضوع ایام آخر معرفی می‌کند. آن ملت همان وحش زمین است که تمام جهان را وادار می‌سازد تا وحش دریایی پای را پرستش کند. کتاب مکاشفه یک ملت اصلی، یک کنفدراسیون متشکل از ده ملت، و یک کلیسای تقلبی را معرفی می‌کند. آن ملت، ایالات متحده است؛ همان وحش زمین باب سیزدهم. کلیسای تقلبی، وحش دریایی باب سیزدهم است، و کنفدراسیون شریانه ده‌پادشاه کتاب مقدسی، سازمان ملل متحد است. این سه قدرت، که در مکاشفه شانزده به‌صورت اژدها، وحش و نبی کاذب به تصویر کشیده شده‌اند، جهان را به‌سوی آرماگدون رهبری می‌کنند.

هر یک از آنان در دانیال، فصل یازدهم، آیات چهل تا چهل‌وپنج شناسایی شده‌اند؛ جایی که کلیسای جعلی در آیه چهل‌وپنج، میان دریاها و کوه مقدس جلال به پایان خود می‌رسد، که از لحاظ جغرافیایی با آرماگدون مکاشفه هم‌راستا است. آیه چهل در سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود، هنگامی که وحش دریا، یعنی کلیسای جعلی، زخمی مهلک دریافت کرد؛ و این بخش با همان وحش دریایی احیاشده پایان می‌یابد، که همان فاحشه مکاشفه هفده است که برای بار دوم می‌میرد؛ و بدین‌سان، این بخش درست در همان‌جا پایان می‌یابد که آغاز شده بود. ملت اصلی در هر دو کتاب مکاشفه و دانیال، ایالات متحده است، یعنی وحش زمین در فصل سیزدهم مکاشفه، که فصل شورش است. وحش زمین همچنین همان نبی کاذب در فصل شانزدهم مکاشفه است، و در آیه چهل دانیال یازده، همان ارابه‌ها، کشتی‌ها و سواران است.

## نیمه‌حقیقت‌ها به‌هیچ‌وجه حقیقت نیستند

امتی که در ایام آخر موضوع هر دو کتاب دانیال و مکاشفه است، ایالات متحده آمریکا می‌باشد، و فصل یازدهم دانیال با تصریحی ویژه، رئیس‌جمهور نهایی آن ملت را شناسایی می‌کند. این حقیقت، واقعیتی تثبیت‌شده در کتاب مقدس است که ادونتیست‌های روز هفتم لائودیکیه‌ای با پناه بردن به نیمه‌حقیقتی آن را رد می‌کنند. آن نیمه‌حقیقتی که در این موضوع پشت آن پنهان می‌شوند، این است که موافقان ایالات متحده همان وحش زمین در مکاشفه ۱۳ و نیز نبی کاذب در فصل ۱۶ است؛ با این حال، از پذیرش این امر سر باز می‌زنند که دونالد ترامپ یکی از موضوعات اصلی نبوت کتاب مقدس در ایام آخر است. خدا هرگز تغییر نمی‌کند، و هنگامی که او با مصر تعامل داشت، فرعون یکی از

موضوعات اصلی تاریخ نبوی بود؛ سپس در باب بابل، نبوکدنصر و بیلشصر نام برده شده‌اند. کورش نام برده شد. داریوش نام برده شد. کتاب مقدس به طور مشخص آخرین حاکم وحش زمین را معرفی می‌کند، و این اشاره‌ای گذرا نیست. ادونتیسیم می‌داند که ایالات متحده در نبوت زمان آخر کیست، اما نمی‌تواند ببیند که خدا در هر سناریوی نبوی، هم ملت و هم رهبر آن را مخاطب قرار می‌دهد، و تمامی آن تاریخ‌های مقدس پیشین، ایام آخر را به تصویر می‌کشند.

## شیپور در رؤیای نهایی

دونالد ترامپ نخستین موضوع در رؤیای نهایی دانیال است؛ رؤیایی که اوچ همه رؤیاهای نبوی به‌شمار می‌رود، نه فقط در کتاب دانیال، بلکه در سراسر کتاب مقدس.

موضوع آخرین رؤیای تاریخ نبوی در درون کلام خدا، دونالد ترامپ است. او نمادی است که رد پاهای نبوت ظاهری ایام آخر را در تاریخ پنهان آیه چهل شناسایی می‌کند. او همچنین حلقه پیوندی است که خط درونی صد و چهل و چهار هزار را شناسایی و تثبیت می‌نماید. آن صد و چهل و چهار هزار، شاخ پروتستان بر وحش زمینی مکاشفه سیزده هستند، و دونالد ترامپ نماینده شاخ جمهوری خواه همان وحش است. آن وحش، قانون اساسی ایالات متحده است، چنان‌که در حکومت جمهوری خواه مبتنی بر قانون اساسی نمایان شده است؛ حکومتی که در آغاز، جدایی‌ای میان آن دو شاخ برقرار ساخت، اما در نهایت آن شاخ‌ها را در تصویری از وحش دریایی پاپی با یکدیگر متحد می‌سازد.

خواهر وایت بارها و بارها تمثال طلایی فصل سوم دانیال را با قانون یکشنبه ایام آخر همسو می‌سازد؛ پس نبوکدنصر نماینده کیست؟ ادونتیسیم به شما خواهد گفت که او ایالات متحده است، همان وحش زمین فصل سیزدهم مکاشفه، که به این معناست که این بابل بود که شدرک، میشک و عبدنغو را به درون آتش افکند. این نبوکدنصر بود که کتاب مقدس او را به‌عنوان کسی معرفی می‌کند که در زمان قانون یکشنبه مسئول بود؛ پس اگر نبوکدنصر آن رئیس‌جمهوری نیست که هنگام فرارسیدن قانون یکشنبه قریب‌الوقوع حکومت می‌کند، نبوکدنصر کیست؟

## سه

آخرین رؤیای دانیال، که رؤیای رود حدقل است، به سه فصل تقسیم می‌شود که هر یک با ویژگی‌های سه فرشته مکاشفه چهارده هماهنگ است. این سه فصل نمایانگر فرشته اول، دوم و سوم هستند، اما همچنین آخرین پیام دانیال را نیز نمایندگی می‌کنند. نخستین پیام او در فصل اول نیز سه فرشته مکاشفه چهارده را نمایندگی می‌کند، و بدین‌سان مهر آلفا و امگا بر فصل اول و بر رؤیای رود حدقل نهاده می‌شود.

آخرین رؤیای دانیال بر چارچوب واژه عبری «حق» استوار شده است؛ واژه‌ای که از حرف اول، سیزدهم و آخر، یعنی حرف بیست‌ودوم الفبای عبری، تشکیل شده است. باب دهم، دانیال را به‌عنوان دانش‌آموز نبوت معرفی می‌کند که در روز بیست‌ودوم از یک لائودیکی به یک فیلادلفیایی دگرگون می‌شود. سپس به دانیال قدرت داده می‌شود تا افزایش گشوده‌شده معرفت را که در باب دوازدهم به تصویر کشیده شده است، درک کند. باب‌های اول و آخر این رؤیا، دانیال را به‌عنوان نمادی از یکصد و چهل و چهار هزار نفر معرفی می‌کنند، کسانی که به‌راستی دانش‌آموزان نبوت‌اند.

«هر اندازه هم که پیشرفت فکری انسان باشد، مبدا حتی برای لحظه‌ای بیندیشد که نیازی به کاوش ژرف و پیوسته در کتب مقدس برای دریافت نور بیشتر نیست. ما، به‌عنوان یک قوم، فراخوانده شده‌ایم که هر یک به‌طور فردی، شاگردان نبوت باشیم.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۷۰۸.

فصل اول همان حقایق رؤیای نهر حدّ اقل را شناسایی می‌کند، و فصل نخست رؤیای نهر حدّ اقل نیز همان حقیقتی را شناسایی می‌کند که فصل سوم و آخر آن بیان می‌دارد. کتاب دانیال مهر آلفا و امگا را بر خود دارد، زیرا فصل اول، فرایند آزمون سه مرحله‌ای انجیل جاودانی را شناسایی می‌کند و فصل دوازدهم نیز چنین می‌کند. سپس، در میان آن سه فصلی که رؤیای نهایی دانیال را تشکیل می‌دهند، فصل اول آلفا است و فصل سوم امگا. این با نخستین آزمون دانیال درباره این که چه خوراکی بخورد، و با سومین و آخرین آزمون او هنگامی که پس از سه سال به وسیله نبوکدنصر داوری شد، هماهنگ است. آزمون آلفای دانیال یک، درباره روش شناسی مطالعه کتاب مقدس بود، چنان که با خوردن خوراک بایلی یا خوراک گیاهخواری به تصویر کشیده شده است.

وفاداری دانیال به روش شناسی «حکم بر حکم» سبب شد که «در هر امر حکمت و فهم که پادشاه از ایشان پرسش می‌کرد، ایشان را ده برابر از تمامی مجوسیان و منجمانی که در سراسر مملکت او بودند، بهتر یافت.» در امگای باب دوازدهم، این حکیمان‌اند که همه امور حکمت را درمی‌یابند؛ اموری که هنگام گشوده شدن کلام نبوی فزونی می‌یابد. باب دوازدهم امگای باب یک است، و نیز امگای باب ده، آلفای رؤیای حدّ اقل. در آن آلفا، یعنی باب ده، دانیال در تجربه‌ای روحانی استقرار می‌یابد که با استقرار حکیمان در تجربه‌ای عقلانی در باب دوازدهم همسو است. باب یک تأکید می‌کند که این روش شناسی مطالعه کتاب مقدسی است که به دانشجوی نبوت امکان می‌دهد تا برای مهر شدن، هم از نظر روحانی و هم از نظر عقلانی در حقیقت استقرار یابد.

دانیال و آن سه یار برگزیده، که نماینده شاگردان راستین نبوت در ایام آخرند، همان حکیمانی هستند که نه تنها افزایش معرفتی را که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، گشوده شد درک می‌کنند، بلکه افزایش معرفت را در ۱۱ سپتامبر نیز درمی‌یابند. و در نهایت، آنان افزایش معرفت گشوده شده را در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ نیز درک می‌کنند.

در پی جست‌وجوی نور نبوی خدا، آنان از جنبش لاودیکیه‌ای ادونتیس‌های روز هفتم صد و چهل و چهار هزار به جنبش فیلادلفیایی صد و چهل و چهار هزار دگرگون می‌شوند. هنگامی که این دگرگونی رخ می‌دهد، از کسانی که از رؤیای آینه گریختند جدا می‌گردند.

## پیام عصیان انسان

فصل‌های دهم و دوازدهم به یکصد و چهل و چهار هزار تن می‌پردازند، زیرا آن‌ها گام‌های نخست و سوم در چارچوب حقیقت هستند. پس از آن که به واسطه تجربه درونی رؤیای آینه فصل دهم قدرت می‌یابند، و همراه با آن با فهم مهرگشوده دانیال دوازده روشن می‌شوند، باید پیام عصیان انسانی را اعلام کنند. پیام عصیان انسانی به وسیله کتاب‌های دانیال و مکاشفه نمود می‌یابد، و پیام عصیان در درون چارچوب نبوی پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس که در دانیال عرضه شده است قرار داده شده است. نمادپردازی نبوی شهادت عصیان انسانی در کتاب دانیال به‌طور کامل در فصل یازدهم بازنمایی شده است. فصل یازدهم تاریخی است که از پایان بابل و آغاز مادها و پارسیان شروع می‌شود. از این رو، از زخم مهلک بابل آغاز می‌گردد، که نمونه زخم مهلک پاپیت در سال 1798 است. هنگامی که زخم مهلک پاپیت در قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع شفا یابد، او سر اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کذاب می‌شود. آنگاه او همان زنی است که در مکاشفه هفده بر وحش سوار است، و بر پیشانی آن زن «بابل عظیم» نوشته شده است. در قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع، زخم مهلک هر دو، بابل و پاپیت، شفا می‌یابد.

عصیان بشری که از زمان بابل تا پایان جهان به تصویر کشیده شده است، چارچوب کتاب دانیال را تشکیل می‌دهد، و باب یازدهم پیام نبوی بیرونی‌ای است که آن عصیان ایام آخر را ثبت می‌کند. آن شهادت عصیان که در باب یازدهم یافت می‌شود، با و درون شش آیه آخر آن باب همسو است. شش

آیه آخر، پیام عصیان بشری هستند، و آن شش آیه آخر با و درون تاریخ پنهان آیه چهل بازنمایی شده‌اند. بدین‌سان، کتاب دانیال به یک باب فروکاسته می‌شود، که آن نیز به نوبه خود به شش آیه از همان باب فروکاسته می‌شود، و آن نیز به نوبه خود به تاریخ پنهان نیمه آخر یک آیه فروکاسته می‌شود.

فصل یازدهم نمایانگر سیزدهمین حرفی است که پیش از آن نخستین و پس از آن آخرین حروف الفبای عبری قرار دارند، و نخستین و آخرین همواره یکسان‌اند. فصل نخست، جدایی حکیمان از جاهلان را در رؤیای آینه‌نگر مشخص می‌سازد و فصل آخر، جدایی حکیمان از جاهلان را در هنگام گشوده شدن مهر مشخص می‌سازد. الهام به ما آگاه می‌سازد که مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، «استقرار یافتن در حقیقت، هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ روحانی» است. فصل دهم، مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را از جهت روحانی مشخص می‌سازد و فصل دوازدهم جنبه فکری آن را نشان می‌دهد. فصل دهم سه لمس و سه تعامل با موجودات آسمانی را مشخص می‌سازد. فصل دوازدهم، تطهیر سه مرحله‌ای حکیمان را مشخص می‌سازد که به واسطه افزایش حقیقت نبوی فکری، به صورت «تطهیر شدند، سفید گردیدند و آزموده شدند» به انجام می‌رسد. همان‌گونه که فصل دهم دارای دو نماد سه‌تایی است، یعنی سه لمس و سه مواجهه آسمانی؛ فصل دوازدهم نیز هم فرایند آزمون سه مرحله‌ای را داراست و هم سه نبوت زمانی را.

سه مواجهه آسمانی باب دهم مهر حقیقت را بر خود دارند، زیرا نخستین و آخرین موجود آسمانی که با دانیال تعامل کرد، فرشته جبرئیل بود، و موجود میانی میکائیل بود. سه فرشته بودند، اما در گام دوم، مسیح آن فرشته بود. سه لمس، نمایانگر توانمندسازی تدریجی سه مرحله‌ای دانیال است. در این بخش، دانیال رؤیای آینه‌وار را سه بار شناسایی می‌کند، و بدین‌سان سه رؤیای آینه‌وار را در چارچوب هفت ارجاع به رؤیای mareh در باب دهم قرار می‌دهد. واژه عبری mareh دو بار به «appearance» و دو بار به «vision» ترجمه شده است، و سه بار دیگر نیز به «vision» ترجمه شده است. آن «سه بار دیگر» mareh نیست، بلکه صورت مؤنث mareh است که marah می‌باشد. باب دهم دارای سه لمس توانمندسازی تدریجی، سه مواجهه آسمانی که مهر حقیقت را بر خود دارند، و سه رؤیای آینه‌وار است که بخشی از هفت ارجاع به ظهور مسیح‌اند.

## ظهور

آن دو موردی که «mareh» به «appearance» ترجمه شده است، با آن دو موردی مطابقت دارند که به «vision» ترجمه شده است. اینها با هم مسیح را به‌عنوان نمادی معرفی می‌کنند که همچون نشانه‌ای راهنما در تاریخ نبوی ظاهر می‌شود. در مکاشفه باب ده، فرشته‌ای فرود می‌آید و یک پا را بر خشکی و پای دیگر را بر دریا می‌گذارد. خواهر وایت به ما اطلاع می‌دهد که آن فرشته «کسی کمتر از عیسی مسیح نبود». فرشته مکاشفه ده، «ظهور» مسیح در تاریخ نبوی است. او در آیه سیزدهم دانیال باب هشت به صورت پالمونی ظاهر می‌شود، و از مکاشفه باب پنج به بعد به صورت شیر سبط یهودا ظاهر می‌گردد. دانیال نمایانگر کسانی است که در ایام آخر، ظهورهای نبوی مسیح را، هر جا که او برود، پیروی می‌کنند. اگر در این کار امین باشند، به رؤیای آینه رهبری می‌شوند، جایی که بی‌وفایان می‌گریزند.

تطهیر سه مرحله‌ای باب دوازدهم، که بر فهم دانشی استوار است که هنگامی افزایش می‌یابد که نبوتی مهرگشایی شود، با سه «نبوت زمانی» همراه است که برای هر یک از آن سه آیه، سه تحقق متمایز را نشان می‌دهند. هزار و دویست و شصت سال آیه هفتم، هزار و دویست و نود سال آیه یازدهم، و هزار و سیصد و سی و پنج سال آیه دوازدهم، سه آیه را مشخص می‌کنند که هر یک دربردارنده یک نبوت زمانی است که در تاریخ تحقق یافت و سپس از سوی میلی‌ها به‌عنوان تأیید تاریخی پیامی که اعلام می‌کردند، شناخته شد. پیشگویی موجود در آیه، تحقق تاریخی، و کاربردی که

میلری‌ها از آن تاریخ کردند، همگی بر تحقق ایام آخر آن سه نبوت شهادت می‌دهند. اما کاربرد زمانی میلری‌ها دیگر معتبر نیست؛ از این‌رو، ارجاعات زمانی موجود در آیات باید به‌عنوان نمادها به کار گرفته شوند، نه به‌عنوان زمان. این نمادگرایی در خود آیات از طریق اعمال آیه، تحقق تاریخی آیه، و ارائه پیام توسط میلری‌ها تثبیت می‌شود.

توالی زمانی شورش انسانی در فصل یازدهم با پیمان‌ها، معاهدات و عهدها به هم تنیده شده است. عهدهای انسانی که در تاریخ فصل یازدهم بازنمایی شده‌اند، در تقابل با عهد الهی قرار می‌گیرند.

«در ایام آخر تاریخ این زمین، عهد خدا با قوم نگاه‌دارنده احکام او باید تجدید شود.» ریویو اند هرال، ۲۶ فوریه ۱۹۱۴.

روم سراسر این رؤیا را استقرار می‌بخشد، و هنگامی که روم پاپی نخستین‌بار در باب یازدهم مورد خطاب قرار می‌گیرد، با این عبارت شناسانده می‌شود: «آنان که عهد مقدس را ترک می‌کنند.» خط داخلی در دانیال یازده، که همچنین همان خط داخلی در تاریخ پنهان آیه چهل است، نمایانگر کسانی است که در ایام آخر با خدا داخل عهد می‌شوند، و خط خارجی آنان را که همان عهد را ترک می‌کنند، معرفی می‌نماید. در ترسیم آن طبقه که از افزایش معرفت در ایام آخر بهره‌مند خواهند شد، تاریخ خارجی ایشان بر رشته نبوتی معاهدات بشری شکسته بافته شده است.

در درون خط داخلی یکصد و چهل و چهار هزار، نمادها و تمثیل‌های متعددی از رابطه عهدی خدا با قوم باقیمانده ایام آخر او بافته شده است. نماد عدد «یازده» یکی از آن حقایق است، و این حقیقت که آیه یازدهم باب یازدهم رؤیای خارجی و داخلی ایام آخر را مشخص می‌کند، با این امر مورد تأکید قرار می‌گیرد که اشعیا در باب یازدهم، آیه یازدهم، هدف و کار قوم عهدی خدا در روزهای آخر را شناسایی می‌کند.

و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر، برای دومین بار، دست خود را دراز خواهد کرد تا باقی‌مانده قوم خویش را که بر جای مانده‌اند، از آشور، و از مصر، و از قتروس، و از کوش، و از عیلام، و از شینعار، و از حمت، و از جزایر دریا بازآورد. اشعیا ۱۱:۱۱.

## پراکندگی

در ایام آخر، قوم باقی‌مانده خدا دو بار پراکنده شده خواهند بود و نیاز خواهند داشت که گرد آورده شوند. آیه هفتم دانیال دوازده به پراکندگی قوم خدا در ایام آخر اشاره می‌کند؛ از این‌رو، هزار و دویست و شصت روز را به‌عنوان نمادی از یک پراکندگی نشان می‌دهد.

و آن مرد ملبس به کتان را که بر آب‌های نهر بود شنیدم، چون دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان برافراشت و به آن که تا ابد زنده است سوگند خورد که این برای زمانی و زمان‌ها و نصف زمانی خواهد بود؛ و چون پراکندن قدرت قوم مقدس را به انجام رساند، همه این امور به پایان خواهد رسید. دانیال ۱۲:۷

دو شاهد در باب یازدهم مکاشفه، پس از آنکه شهادت خود را ادا کردند، پراکنده شدند.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحشی که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد، و بر ایشان غالب خواهد آمد، و ایشان را خواهد کشت. و اجساد ایشان در کوی آن شهر عظیم خواهد افتاد، شهری که به‌طور روحانی سدوم و مصر خوانده می‌شود، همان‌جا که خداوند ما نیز مصلوب شد. و از میان قوم‌ها و قبایل و زبان‌ها و امت‌ها، مردمان اجساد ایشان را سه روز و نیم خواهند دید، و نخواهند گذاشت که اجساد ایشان در قبرها نهاده شود. و ساکنان زمین بر ایشان شادی خواهند کرد و به وجد خواهند آمد، و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد؛ زیرا این دو نبی

ساکنان زمین را عذاب می‌دادند. مکاشفه ۱۱:۷-۱۰.

در آیه بعدی، یعنی آیه یازدهم، آن دو شاهد از مرگ خود در کوچه سدوم و مصر برخیزانده می‌شوند. همان مرگ، به وسیله حزقیال، به صورت وادی‌ای از استخوان‌های پراکنده، مرده و خشک به تصویر کشیده شده است. آن دو شاهد نمایانگر شاخ‌های جمهوری‌خواه و پروتستان‌اند که در سال ۲۰۲۰ کشته شدند. شاخ پروتستان با پیشگویی دروغین خود درباره ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ مرد، و شاخ جمهوری‌خواه در انتخابات ریوده شده ۲۰۲۰ مرد. اشعیا مشخص می‌سازد که هنگامی که شاهدان برخیزانده می‌شوند، که او آن را به عنوان گردآوری بار دوم معرفی می‌کند، آن شاهدان به آن علم بدل می‌شوند که کارگران ساعت یازدهم را گرد می‌آورد.

و در آن روز، ریشه‌ای از یسی خواهد بود که چون علمی برای قوم‌ها برپا خواهد ایستاد؛ امت‌ها او را خواهند طلبید، و آرامگاه او پرچال خواهد بود. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند بار دیگر، برای مرتبه دوم، دست خود را دراز خواهد کرد تا باقیمانده قوم خویش را که باقی مانده‌اند، از آشور، و از مصر، و از قتروس، و از کوش، و از عیلام، و از شینعار، و از حمت، و از جزایر دریا باز آورد. و او علمی برای امت‌ها برپا خواهد کرد، و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکنده‌گان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد. اشعیا ۱۱:۱۰-۱۳

هنگامی که خداوند برای بار دوم دست خود را دراز می‌کند تا گرد آورد، «رانده‌گان اسرائیل» را جمع می‌سازد. «رانده‌گان اسرائیل» برای امت‌ها علم می‌شوند، و از این رو باید پیش از آنکه گرد آورده شوند، رانده شوند. ایشان به دره استخوان‌های خشک حزقیال رانده شدند، و چون یک‌بار کشته شدند، در همان کوچه‌ای افتاده بودند که در آن نیز خداوند ما مصلوب شد، در حالی که آن طبقه دیگر شادی می‌کرد.

ای شما که از کلام او می‌لرزید، کلام خداوند را بشنوید؛ برادرانتان که از شما نفرت داشتند و به‌خاطر نام من شما را بیرون افکندند، گفتند: «بگذار خداوند جلال یابد»؛ اما او برای شادی شما ظاهر خواهد شد، و ایشان سرافکنده خواهند گردید. اشعیا ۶۶:۵

آنان که از کلام خدا می‌لرزند، از سوی برادران خویش که از ایشان نفرت داشتند، رانده می‌شوند. ارمیا آنچه را بر برادرانی که از راییت نفرت داشتند واقع می‌شود، مشخص می‌سازد.

بنابراین خداوند چنین می‌گوید: اینک بلایی بر ایشان خواهم آورد که از آن نتوانند گریخت؛ و هرچند نزد من فریاد برآورند، به ایشان گوش نخواهم داد. ارمیا ۱۱:۱۱.

بافت آیه یازدهم عهد خداست، و همه انبیا به ایام آخر می‌پردازند؛ پس عهدی که از آن سخن می‌رود، تجدید عهد با آن صد و چهل و چهار هزار نفر است.

کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد، بدین مضمون که: «سخنان این عهد را بشنوید و آنها را به مردان یهودا و به ساکنان اورشلیم بگویید؛ و به ایشان بگو: خداوند، خدای اسرائیل، چنین می‌فرماید: ملعون باد آن مردی که سخنان این عهد را اطاعت نکند؛ عهدی که در روزی که پدران شما را از سرزمین مصر، از کوره آهنین، بیرون آوردم، به ایشان امر فرمودم و گفتم: آواز مرا بشنوید و آنها را بر حسب هر آنچه به شما امر می‌کنم، به‌جا آورید؛ تا شما قوم من باشید و من خدای شما باشم؛ تا سوگندی را که برای پدران شما خورده‌ام، برپا دارم، که سرزمینی جاری از شیر و عسل به ایشان بدهم، چنان‌که امروز هست.» آنگاه من پاسخ دادم و گفتم: «آمین، ای خداوند.»

آنگاه خداوند به من گفت: «تمام این سخنان را در شهرهای یهودا و در کوچه‌های اورشلیم ندا کن و بگو: سخنان این عهد را بشنوید و به آنها عمل کنید. زیرا از روزی که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آوردم تا به امروز، به جد به پدران شما هشدار دادم، بامدادان برخاسته، هشدار داده، و

گفته‌ام: آواز مرا اطاعت کنید. اما آنان اطاعت نکردند و گوش خود را فرانداشتند، بلکه هر یک در سرسختی دل شریب خویش رفتار کردند. پس من همه سخنان این عهد را که به ایشان امر فرموده بودم تا به‌جا آورند، بر ایشان خواهم آورد؛ زیرا آنها به آنها عمل نکردند.»

و خداوند به من گفت: فتنه‌ای در میان مردان یهودا و در میان ساکنان اورشلیم یافت شده است. ایشان به گناهان پدران خویش، که از شنیدن سخنان من سر باز زدند، بازگشته‌اند؛ و در پی خدایان دیگر رفته‌اند تا آنها را عبادت کنند. خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد مرا که با پدران ایشان بستم، شکسته‌اند. بنابراین، خداوند چنین می‌گوید: اینک بلایی بر ایشان خواهم آورد که از آن نتوانند گریخت؛ و هرچند نزد من فریاد برآورند، ایشان را اجابت نخواهم کرد. ارمیا 1:11-11.

موضوع داوری ادونتیسیم روز هفتم لائودیکیه، که ارمیا آن را شناسایی می‌کند، بار دیگر به‌وسیله حزقیال در فصل یازده، آیه یازده تکرار می‌شود.

این شهر دیگر شما نخواهد بود، و شما نیز گوشت در میان آن نخواهید بود؛ بلکه من شما را بر مرز اسرائیل داوری خواهم کرد. حزقیال 11:11.

الهام، مَهرگذاری باب نهم حزقیال را مستقیماً همان مَهرگذاری یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر در مکاشفه هفت معرفی می‌کند. آیه یازدهم باب یازدهم صرفاً ادامه روایت پیوسته حزقیال از داوری بر کلیسای ادونتیسیم روز هفتم است، که خواهر وایت آن را اورشلیم باب نهم حزقیال معرفی می‌کند. آنان که مَهر را دریافت نکردند، در رؤیای باب‌های نهم تا یازدهم داوری شده و هلاک می‌گردند.

رؤیای ۱۱/۹ در حزقیال نشان می‌دهد که بی‌وفایان برای داوری به بیرون از اورشلیم برده می‌شوند؛ و بدین‌سان جدایی نهایی کسانی را مشخص می‌سازد که مدعی‌اند کلیسای نهایی مصور در کتاب مکاشفه هستند. نماد «یازده، یازده» نمادی از عهدی است که آن یک‌صد و چهل و چهار هزار تن با خدا وارد آن می‌شوند. هنگامی که این اعداد با یکدیگر جمع شوند، عدد بیست و دو را تشکیل می‌دهند که یک‌دهم دویست و بیست است، و این خود یکی از نمادهای امتزاج الوهیت با انسانیت است.

دویست و بیست سال میان ۶۷۷ و ۴۵۷ پیش از میلاد، نبوت دو هزار و سیصد روز دانیال را با نبوت زمانی هفت زمان موسی به هم پیوند می‌دهد. بسیاری از جنبه‌های این دویست و بیست سال را می‌توان به‌عنوان نمادی از کار کفاره شناسایی کرد؛ همان کاری که هنگامی آغاز شد که آن دو نبوت در سال ۱۸۴۴ با یکدیگر تلاقی یافتند. مطالب بسیاری را می‌توان درباره آنچه به‌طور نمادین به‌وسیله عدد بیست و دو، به‌عنوان عشر دویست و بیست، بازنمایی می‌شود بیان کرد؛ چنان‌که در مورد عدد یازده نیز چنین است. آنچه در اینجا مایلیم مشخص سازم، رابطه میان یازده و بیست و دو است.

این افکار را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.